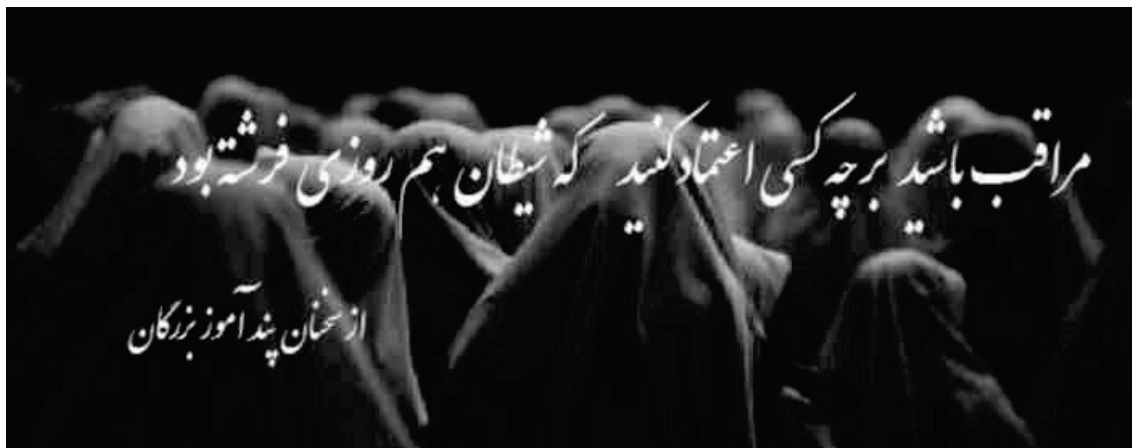


## یک کشمش و چهل قلندر !

پیوسته به گذشته قسمت هشتماد ویکم



محمد امین فروتن



در بحث قبلی ام مسأله قتل های استخباراتی را دنبال کردیم و آخرین بار نیز آنگاه که پس از چندسال ستر و اخفای خبر، مرگ ملا محمد عمر رهبر جنگجویانی که با طالبان افغانستان شهرت یافته اند از سوی گروه مجعول و مجهولی موسوم به فدائی محاذ وابسته به طالبان افغانستان اعلام گردید



<https://www.youtube.com/watch?v=D76HoaYO1S0>

که گویا ملا محمد عمر مجاهد دو سال و چند ماه قبل در یکی از شفا خانه های شهر بندری کراچی کشته شده و بصورت اضطراری در ولایت زابل افغانستان به خاک سپرده شده است از همان لحظه تا اکنون و شاید هم تا دیر زمانی جسد قبلاً کشته شده ملا محمد عمر خان که به سفارش محرمانه سازمان استخبارات نظامی پاکستان ISI به آنتن برده شد بهترین وسیله ای برای چانه زنی مریدان **کلدار** و **دالر** و تصفیه حساب های استخباراتی انصار و اعوان سازمان استخبارات نظامی پاکستان ISI قرار گیرد ،



<https://www.youtube.com/watch?v=OakKsRi4Peg>

اما آنچه که استفاده جویان و معاندان تابلودار جامعه ما قصد دارند از استخوانهای فرسوده ملا محمد عمر خان آخوند بیشترین بهره ای را ببرند در زیر چتر مفهوم به مظلومیت کشانده شده **صلح** است که از آن برای نابودی تمدن باستانی ما استفاده ابزاری می نمایند . اکنون باید این مفهوم نهایت تحقیر شده ای در تاریخ انسان را ببینیم که برآستی هم جعلکاران ودغلبازانی که از نام **صلح** چنین استفاده ابزاری میکنند این مفهوم متعالی و یوسف گم گشته ملت ها بویژه ملت ستمدیده افغانستان را شناخته اند ؟ و چگونه فرآیند چند "**بعدی صلح**" از مفهوم اصلی آن تهی شد و به اسارت مافیای حاکم در آمد ؟

### مکتی بر پرونده ء صلح حقیقی و صلح قلندری !

**حکایت است** شخصی به قاضی مراجعه کرد و گفت : آقای قاضی یک عرض دارم و آن اینکه فلانی به من میگوید ، احمق ! قاضی نیز در جواب گفت : خوب تو هم چرا برایش نه میگوئی احمق ! آن شخص در جواب گفت ؛ های قاضی محترم ! چه کسی باور خواهد کرد ؟



اکنون می بینیم که زمین میهن ما زیر قدمهای که تا اکنون از آنسوی مرزها می آیند و در زیر چتر " **مغازه ای کوپونی بنام صلح !!** " که با مصرف میلیون ها دالربی زبان برپاگردیده است مشغول شغل شریف آدم کشی شده اند و با سفارش نسخه نویسان استخباراتی بسیاری از بی گناهان این سرزمین را جوقه ، جوقه سر می بُرند ! چنانچه مشاهده می کنیم وقتی ثعور و حدود ماهیت صلح در وجدان جامعه نهادینه نه شده باشد طبیعی است که با این شعارهای بی ماهیت و تفسیرنا شده ، افکار عمومی فریب خواهند خورد . حال آنکه رسالت اصلی همه روشنفکران متعهد و راستین این عصر مطرح ساختن چهره حقیقی صلح با تمامی مفردات و لوازم آن است که باید در مقابل شعارهای صلح دروغین اسلام آبادی موضع افشا گرانه داشته باشیم . بدون شک اینها تناقضاتی است است که دامنگیر ما است . از یکسو چنان و از سوی دیگر چنین ! از یکسو رسالت بسیج توده ها و محکوم کردن مصنوعی و سفارشی تروریزم ! از سوی دیگر همگامی و هم نشینی با برادران تروریست ! به نام رسیدن به صلح سفارشی و مسلح استخباراتی !

### **مفردات و مؤلفه های اصلی صلح راستین در تاریخ بشری !**

در دیدگاه فرد فردی از اکثریت "عقلای " این قوم به حج رفته ! رسیدن به صلح و امنیت آنگاه متصور است که میان دو نهاد ، مشروع و نامشروعی که سرنوشت ملتها را رقم میزنند برویت یک قرار داد ذات البینی امنیتی و استراتژیکی ملی مبنی بر عدم مداخله در امور همدیگر حاصل گردد که در هنگامه شورشهای کور و توجیه شده استخباراتی بسیاری از مهره ها وحشت زده بر هر دری می کوبند و به هر دستاویزی چنگ میزنند که اگر آثاری از صلح راستین توام با عدالت اجتماعی را در جامعه بنگرند و ببینند آنرا نا قوس مرگ خویش اعلام بدارند . زیرا در صورت استقرار صلح واقعی که توام با اصلاحات بنیادی و عمیقاً فرهنگی و اقتصادی در تمامی حوزه های زندگی تحقق می یابند و منفذ های نفوذ جنگ طلبان و بد خواهان مسدود گردیده و دیگر نه خواهند توانیست از مفهوم صلح همچون گاو شیری با تفسیر جهان بینی شکمی استفاده به عمل آورند . اینجاست که تحقق عدالت

عمومی اعم از عدالت اجتماعی و اقتصادی در حوزه زندگی ملت‌های جنگ زده از ضروریات و مؤلفه های اصلی یک صلح واقعی به شمار می آیند . سخت جالب و شگفت انگیز است که عده ای از رجال برجسته مافیای قدرت در افغانستان بنام تحقق **صلح** از دریچه معامله با جنایتکاران مینگرند . و به ابعاد فکری و ایدئولوژیک فرآیند **صلح** هیچگونه توجهی ندارند و اینجاست که چنین مصلحان سفارشی در **پارادایم صلح** باهم یکسان می اندیشند .

[https://www.youtube.com/watch?v=Gk8D0\\_9biJQ](https://www.youtube.com/watch?v=Gk8D0_9biJQ)

طبیعی است که شرکت کننده گان هر دو طرف در زمینه نگاه به نوع مدیریت جامعه اندکترین اختلاف نظری ندارند ، چنانچه هویت تشکیلاتی اشتراک کننده گان نخستین اجلاس مستقیمی که پس از زمینه سازی های فراوان استخباراتی در دوحه و دوی که از سوی مهره های معلوم الحال وابسته به سازمان استخبارات نظامی پاکستان ISI در تپه های سرسبز شهرک مری اسلام آباد ترتیب یافته بود هیأتی برهبری حاجی دین محمد و حکمت کرزی از مافیای "سیا" سی رژیم حاکم همچنان هیأتی از گروه طالبان نیز که از جانب ملا عبدالجلیل عضو باصلاحیت شورای موسوم به کویته پاکستان رهبری می گردید در گفتمان و قرئت دینی حاکم میان این دو شخصیت اندکترین تفاوتی وجود نداشت و ندارد . این بدان معناست که نقشه راه این دو محور صلح مافیائی اعم از **ملا عبدالجلیل و حاجی دین محمد** دارای هویت واحد در حوزه فقه تاریخی میباشند و آقای دین محمد رئیس هیأت صلح دولت مافیائی در همه دوره چندین ساله حاکمیت طالبان از امتیازات و مواجب ویژه ای برخوردار بود و برادرش مرحوم حاجی قدیر که در دولت موسوم به مجاهدین برهبری فقید استاد برهان الدین ربانی بحیث والی ننگرهار ایفای وظیفه میکرد و طی یک معامله چند میلیون دالری با جنرال نصیر الله بابر شهرتاریخی جلال آباد را به طالبان واگذار کرد و در نخستین کنفرانسی که در شهر پیشاور به استقبال اش ترتیب داده شده بود در محضر صد ها خبر نگار داخلی و خارجی اعلام داشت که ما با پیروزی تحریک طالبان به هدف اصلی مان که تطبیق شریعت غرای محمدی است نائل آمدیم و ما دیگر نباید با حاکمیت طالبان که حاکمیت شرعی است سلاح بر داریم ، پیوست با این اظهارات و به پیروی از حاجی عبدالقدیر برادرش حاجی عزیزالله دین محمد نیز که معاونیت حزب اسلامی افغانستان برهبری مرحوم مولوی محمد یونس خالص را برعهده داشت حزب اسلامی معروف به حزب اسلامی مولوی خالص را منحل اعلام کرد . لہذا نباید تعجب کرد که چگونه این وحدت نظر "سیا" سی و عقیدتی سبب شده تا هر دو گرائیش در جامعه و تاریخ افغانستان پله مشروعیت سیاسی را با دستور و سفارش شبکه های اطلاعاتی و استخباراتی پاکستان ISI با دروغ - فریب و خرافات مذهبی بحیث گفتمان جاده صاف کن نظام غیر عادلانه شبه بورژوازی پُر می سازند . جالب ترین و در عین حال مسخره ترین پهلوی حرکت این تشنه گان صلح و علمبرداران ترقی ، دموکراسی و پیشرفت آنگاه به مشاهده می رسند که وقتی چشم ات بر مدعیان اسلام خواهی بر شیوه عدالت اجتماعی ای که در صدر اسلام بر قسمت اعظم شبه جزیره عرب حاکمیت داشت و اکنون در اهرم های اصلی حاکمیت مافیای یکجا با فاشیست های معلوم الحال و چپگرایان نامداری که مبارزه طبقاتی و حمایت از طبقه کارگر زمانی شعار اصلی آن ها محسوب می شد چرخ دولت موسوم به وحدت ملی افغانستان این تحفه مبارکه حضرات جان کری وزیر خارجه ایالات متحده امریکا و یان کوبیس نماینده سرمنشی سازمان ملل برای افغانستان را می چرخانند .